

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

رگ خواب زیبایی‌های خفته



لیلی فرهادپور

● فیلم «رگ خواب» حمید نعمت‌الله واکنش‌های متفاوتی را از سوی منتقدان محترم سینمایی داشته است؛ از تحسین تا تقبیح، اما برای من مهم این بود که منتقدان تقریباً متفق‌القول بودند که فیلمی زنانه است بدون واردشدن به وادی فمینیسم! در میان نقدها به فیلم رگ خواب، نقد یکی از سایت‌های محافظه‌کار اصولگرا برایم جالب بود. نویسنده محترم این نقد به نعمت‌الله آفرین گفته بود که نشان داده زنانی که طلاق می‌گیرند چه عاقبت شومی در انتظارشان است! حمید نعمت‌الله یک نبوغی دارد؛ یک نبوغ شهودی، نه تحلیلی و تفسیری. این را از تحلیل فیلم‌هایش نمی‌گویم بلکه از تجربه کار با او می‌گویم. فیلم‌نامه فقط یک طرح است در دستش که فضا و مکان و حتی رنگ پرده و فرش «لوکیشن» می‌تواند در آن تأثیر بگذارد. نعمت‌الله همه فیلم را در جریان تولید نمی‌سازد، بلکه ساختن فیلم برای نعمت‌الله در توپون و تدوین‌های دوباره ادامه می‌یابد. سکانس‌ها شروع می‌شود، نعمت‌الله مدت‌ها در فضای سکانس راه می‌رود. لب پایینش را می‌گزد. فکر می‌کند، فکر می‌کند ... من در اعماق چشمانش همان صحنه را که در سالن سینما نمایش داده می‌شود، می‌بینم.

«رگ خواب» با این شروع می‌شود که مینا (با بازی لیلا حاتمی) زنی است که تازه از شوهر معتادش بعد از سال‌ها طلاق گرفته و البته پول هم از او گرفته لاید مهریه و اجرت‌المثل و این چیزها. این شجاعت نعمت‌الله است که برای نشان‌دادن اضمحلال روحی این زن، تمام جزئیات فرعی را حذف کرده؛ حتی به بهای اینکه منتقدان ایراد بگیرند که مثلا چرا مینا بعد از طلاق به خانه پدر نرفت و چراهای دیگر از جمله شخصیت شوهری که مینا را طلاق داده است. اولین سؤال در لحظه خروج مینا از دادگاه برایم این بود که پس این مردک معتاد همچنین بد هم نبوده چون یک مقدار پول به این زن داده است، ولی داستان که پیش رفت مشخص شد که مینا یک زن «آویزان» است، مثل بسیاری از زنان در این شهر. در دهات زنان آن‌قدر کار دارند که وقت آویزان‌بودن به شوهرشان را پیدا نمی‌کنند. حالا اگر این شوهر معتاد شود یا بی‌کار، فرقی نمی‌کند، این زن باید بار زندگی را به دوش بگیرد، ولی در شهر، آن‌هم کلان‌شهر بی‌هویتی مثل تهران، فرهنگ و جامعه و مدرسه و در و همسایه به دختر یاد می‌دهند که باید مانند زیبایی خفته منتظر یک شاهزاده سوار اسب سفید باشد. زندگی زن شهری را باید مرد بچرخاند. تا پدر هست، پدر بچرخاند، بعد تحویل دهد به مرد دیگری که این مرد در مقطع نخست شوهر است و وقتی زنی از شوهر جدا شد، بی‌هویت و سرگردان می‌چرخد تا به مرد دیگری بچسبد. حالا اسمش عشق باشد یا وابستگی. اینکه مسئولیتی در قبال مشارکت مالی خانواده نداشته باشی چیزی است که فرهنگ و سنت آن را در یک جای ژن ما زن‌های شهری نشان‌دار کرده است: زن معیوبی منتظر مرد رؤیاهودن. این نوع زن، به تنها چیزی که فکر نمی‌کند استقلال است. البته یک زن مطلقه برای رسیدن به استقلال کمک می‌خواهد، اما مینا کمک بی‌شانیه دوستش را نمی‌پذیرد و به بهانه یاقتن کار به دنبال مرد رؤیاهاست. یکی از شخصیت‌های مهم در حاشیه فیلم نعمت‌الله همین دوست میناست، یک زن مستقل که بچه خود را به‌تنهایی بزرگ می‌کند. یک زن سرپرست خانوار. هزاران زن سرپرست خانوار در این مملکت زندگی می‌کنند و با چنگ‌ودندان زندگی خود و خانواده خود را می‌چرخاند، ولی این هزاران زن در میان میلیون‌ها زن «آویزان» در این جامعه کم هستند. چرا دوست مینا در «رگ خواب» کم نباشد.

در محل کار (ساندویچ‌فروشی) کامران (با بازی کورش تهامی) یک مباشر است؛ ماشری خوش‌تیپ و خوش‌زبان که مانند بسیاری از مردان جوان این‌مملکت با دیدن یک زن زیبا و البته نازنازی کل از گلش می‌شکفت. در این ساندویچ‌فروشی زنان دیگر هم هستند؛ صندوق‌دار بامسئولیتی که البته از زیبایی کمتر بهره دارد و کارفرمای پولدار که اتفاقاً قیافه‌اش بدک نیست، اما مهم‌تر از بدک‌نبودن، پولداربودنش است. اینجااست که می‌بینیم کامران هم مردی آویزان است، آن‌هم از جنس مردانه! آویزان پول. این وسط کلی اتفاق می‌افتد که هیچ تغییری در این خصلت مینا رخ نمی‌دهد. خب فیلم هالیوودی نیست که شخصیت در دقیقه ۵۰ یا ۶۰ متحول شود یا تلاش برای تغییر داشته باشد و فیلم نعمت‌الله از آن جهت که نشان می‌دهد تلاش‌نکردن برای تغییر به اضمحلال این زن می‌انجامد می‌تواند یک فیلم فمینیستی محسوب شود؛ به شرط آنکه تماشاگران فیلم به ظن آن منتقد به اینجا نرسند که اگر طلاق بگیري حتما بدبخت می‌شوی. چهار نفر هم به این فکر کنند که چرا ما زن‌ها باید آویزان مردها باشیم، بس است!

هادی آذری: فیلم «فروشنده» در میان استقبال

تماشاگران از اصغر فرهادی و بابک کریمی در فضای باز محله تراستوره در میدان بزرگ «سن کوزیمتو» رم اکران شد. رُم این شب‌ها، سینمایی بزرگ برای فیلم‌های اصغر فرهادی، میکِل آنجلو آنتونیونی و برناردو برتولوچی شده است. منطقه «تراستوره» که به قدم‌زدن‌های شبانه‌اش شهره است، این شب‌ها رنگی از سینما هم به خود گرفته. در کنار راهپیمایی و بازدید از میدان‌های متعدد این منطقه قدیمی، تماشای فیلم در فضای باز آن هم جزء جذابیت‌های این شب‌هایش شده است. برنامه اکران متفاوت فیلم‌های این سه فیلم‌ساز برجسته قرار است مردم رم را در تمام تابستان سرگرم کند. روز یکشنبه، یازدهم تیر (دوم جولای) پیش از نمایش فیلم فروشنده، اصغر فرهادی و بابک کریمی در جلسه پرسش و پاسخ با تماشاچیان فیلم شرکت کردند.

به گزارش روزنامه «لا ریپابلیکا» چاپ ایتالیا، فرهادی زمانی بیش از پیش تحسین آدم را برمی‌انگیزد که به یاد آوریم در اعتراض به فرمان اجرایی ترامپ، برای دریافت جایزه اسکار خود به ایالات متحده نرفت. بر اساس آن فرمان اجرایی، ترامپ، اتباع هفت کشور از جمله ایران تا ۹۰ روز حق ورود به خاک این کشور را نداشتند. هرچند این قانون در ادامه لغو شد، اما فرهادی از تصمیم خود برنگشت. حال آخرین فیلم این کارگردان در میدان بزرگ «سن کوزیمتو» شهر رم به نمایش درآمد. میدان مملو از جمعیت و ایرانی‌هایی است که با شوروшوق به ادای احترام فرهادی جواب

در تالار وحدت

ارکستر آیسو برای تناولی و شیرهای ایرانی نواخت



مریم درویش: آثار سه آهنگ‌ساز ایرانی برای بزرگداشت مقام هنری پرویز تناولی اجرا شد.

کنسرت بزرگداشت پرویز

تناولی ۱۲ تیر و هم‌زمان با

آغازبه‌کار نمایشگاه «پرویز

تناولی و شیرهای ایران»

برگزار شد. این برنامه که از سوی بنیاد موسیقی پری صفا و نشر موسیقی هرمس تدارک دیده شده بود، به اجرای آثاری اختصاص داشت که به دست سه آهنگ‌ساز برای بزرگداشت تناولی ساخته شده بودند. ارکستر سمفونیک ایران و ارتش (آیسو) به رهبری مازیار یونسی و کنسرت مایسترستی دانیال جوراچی، نخستین اجرای جهانی آثار کریستف رضاعی، مازیار یونسی و پیمان یزدانیان را در تالار وحدت به صحنه برد. ویژگی خاص این برنامه بی‌سابقه‌بودن آن در فضای هنری کشور است و براساس این نخستین بار است که چند هنرمند برای تقدیر از یک هنرمند دیگر به خلق اثر هنری پرداختند. هرکدام از این آهنگ‌سازان با نگاهی به شخصیت هنری تناولی، فعالیت‌های گوناگون او و موضوع شیرهای ایرانی به خلق آثاری متفاوت پرداختند که تفاوت دیدگاه آنها را نشان می‌دهد. نخستین بخش برنامه به اجرای «سویت آفرینش»، اثر کریستف رضاعی، اختصاص داشت. موومان اول این قطعه با نام «هیج و کمال» در حالی آغاز شد که ارکستر مدتی را در سکوت گذراند و گه‌گاه نت‌های مقطعی از فلوت شنیده می‌شد. پس از آن جمله‌ای از سوی ارکستر نواخته شد و تک‌نوازی نی با نغمه‌ای به شخصیت هنری تناولی، فعالیت‌های گوناگون او و موضوع شیرهای ایرانی به خلق آثاری شگسته شد و پس از آن نوبت به کلارینت، هورن و فلوت رسید که هرکدام رنگی متفاوت به آن جمله بدند. موومان دوم در فضایی آرام و سنگین از زهی‌ها اجرا شد. موومان سوم را تیمیانی به آرمی آغاز کرد و پیزیکاتوی زهی‌ها با ملودی ترومبون همراه شد و در ادامه این جمله با ارکستر گسترش پیدا کرد. موومان چهارم با قدرت آغاز شد و یک ملودی آشنای محلی را به فضایی پرشتاب و بالارزی پیوند داد.

در پایان برنامه پرویز تناولی به همراه آهنگ‌سازان

قطعات به روی صحنه رفتند و مورد تشویق تماشاگران

قرار گرفتند.

استقبال از نمایش فیلم اصغر فرهادی در میدان «سن کوزیمتو»

رُمی‌ها «فرهادی» را تحسین کردند



عکس: لالیوین پینا

تشکر کنم، آن‌هم در زمانه‌ای که مردم بیشتر فیلم‌ها را روی گوشی‌های موبایلشان می‌بینند». او در ادامه با اشاره به خاطره‌ای از ۱۳سالگی و ساخت اولین فیلم آماتوری‌اش می‌گوید: «تعجب می‌کنم که چطور یک سری آدم حرف من را گوش می‌کردند، ولی آن فیلم من یک جایزه هم برد. البته جایزه بازیگری بود که به برادر بزرگم رسید که نقش اول را بازی می‌کرد. یادم می‌آید که آن شب باران می‌بارید و آن محل با خانه ما فاصله زیادی داشت، ولی من پریدم روی دوچرخه و تمام مسیر را تا خانه رکاب زدم تا جایزه برادرم را به او بدهم».

می‌دهند. آنها سراپا گوش برای شنیدن سخنان این هنرمندان.

فرهادی سخنان خود را این‌گونه آغاز می‌کند: «چون در حال ساخت فیلم جدید در اسپانیا هستم، به خودم قول داده بودم در هیچ مراسمی شرکت نکنم، اما وقتی این ایمیل را از این بچه‌ها دریافت کردم، احساس کردم آنچه آنها انجام داده‌اند یک چیز خاص است و برای همین الان اینجا هستم». درحالی‌که گوشی‌های موبایل بسیاری در حال ضبط صحبت‌های او هستند، فرهادی سخنان خود را این‌گونه ادامه می‌دهد: «نخست، باید از آنهایی که برای دیدن این فیلم به اینجا آمده‌اند،

اجرای «سویت ارژن» اثر مازیار یونسی رسید. موومان اول با نام «شیرهای دشت ارژن» با تکرار یک جمله با فلوت و کلارینت آغاز شد و سپس با اضافه‌شدن سایر سازها فضایی درهم و پرتشویش به وجود آمد. موومان دوم با بادی برجی‌ها آغاز شد و پس از آن در میان اوج و فرودهای مکرر ارکستر، اصوات بسیار متنوعی از پیزیکاتوی زهی‌ها، ویبرافون، تیمپانی ... به گوش می‌رسید که فضایی پرشور و حماسی را ایجاد می‌کرد. آخرین بخش برنامه به اجرای «سمفونی شماره یک، روایت شیرها» اثر پیمان یزدانیان اختصاص داشت. آغاز این اثر در فضایی مانند مارش‌های نظامی، نوید یک اثر حماسی را داد. جمله‌هایی که با سازهای مختلف تکرار می‌شد، دارای نوعی سرخوشی و هیجان بود. سکوت و آرامش ناگهانی ارکستر با سولوی ایوا شکسته شد و پس از آن نوبت به کلارینت، هورن و فلوت رسید که هرکدام رنگی متفاوت به آن جمله بدند. موومان دوم در فضایی آرام و سنگین از زهی‌ها اجرا شد. موومان سوم را تیمیانی به آرمی آغاز کرد و پیزیکاتوی زهی‌ها با ملودی ترومبون همراه شد و در ادامه این جمله با ارکستر گسترش پیدا کرد. موومان چهارم با قدرت آغاز شد و یک ملودی آشنای محلی را به فضایی پرشتاب و بالارزی پیوند داد.

در پایان برنامه پرویز تناولی به همراه آهنگ‌سازان قطعات به روی صحنه رفتند و مورد تشویق تماشاگران قرار گرفتند.

او در ادامه یادی از خاطرات دوران دانشجویی‌اش می‌کند؛ یعنی وقتی که آرزوی ورود به رشته سینما را داشت، ولی از تاتار سر در آورد. هرچند او در ابتدا احساس سرخوردگی می‌کرد، اما می‌گوید در همانجا بوده که فیلم‌نامه‌نویسی را یاد گرفته و البته با همسرش نیز آشنا می‌شود. فرهادی در ادامه با اشاره به فیلم‌هایی که بیشترین تأثیر را روی او گذاشته‌اند، می‌گوید: «من خیلی خوشحالم که اینجا هستم چون حرفه من به‌عنوان یک فیلم‌ساز با دیدن سینمای ایتالیا، به‌ویژه فیلم‌های فلینی و دسیکا شروع شد و آن رئالیسمی که تأثیرش همیشه با من خواهد بود». فرهادی در ادامه با تقدیر از اقدام افرادی که کوشیده‌اند یک سینمای قدیمی را احیا کنند، می‌گوید: «حتی اگر اینها به هدفشان هم نرسند، باز هم کار مهمی انجام داده‌اند. سینماهای قدیمی که مملو از خاطراتند، در بسیاری از کشورها از جمله کشور خود، من به دست فراموشی سپرده شده و در حال ازبین‌رفتن هستند. بستن این سینماها یعنی اینکه آدم‌ها باید در خانه‌هایشان و تنهایی فیلم‌ها را ببینند».

اما قبل از اینکه چراغ‌ها در این میدان برای نمایش فیلم «فروشنده» خاموش شوند، نوبت فرانچسکو برونی بود تا نامه فرهادی به مراسم اسکار را بخواند. نامه‌ای که فرهادی در آن ضمن تشکر از گروه و دست‌اندرکاران، آشکارا علت غیاب خود را ادای احترام به هم‌وطنانش و همچنین شهروندان شش‌کشوری می‌داند که در اقدامی غیرمحرمانه و خلاف قوانین انسانی از ورود به خاک ایالات متحده محروم شده‌اند.

در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی برپا شد

تجلیل از ۱۱۰ پیش‌کسوت اهل قلم



گروه هنر: روز سه‌شنبه ۱۳ تیر، مراسم تجلیل از ۱۱۰ نفر از پیش‌کسوتان اهل قلم به مناسبت روز قلم در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی ایران برگزار شد. ابتدای مراسم، کلیبی از اهالی قلمی که در دو سال اخیر

دارفانی را وداع گفته‌اند، بخش شد. همچنین در این مراسم، ضمن رونمایی از کتاب «یادگار ماندگار؛ پرتره یکصدوده پیش‌کسوت اهل قلم»، از پیش‌کسوتان اهل قلم تجلیل به عمل آمد. از اهالی قلمی که در این مراسم حضور داشتند، می‌توان به هوشنگ مرادی‌کرمانی، نوش‌آفرین انصاری، اصغر دادبه، احمد پوری، موسی اسوار، جواد محقق، مهدی محقق، علی موسوی‌گرمارودی، احمد سمیعی‌گیلانی، حسن بلخاری، میرجلال‌الدین کزازی، ژاله آموزگار، یحیی یثربی، منصوره اتحادیه، محمدعلی جعفریه، غلامرضا امامی، علی‌اصغر حداد، فتح‌الله مجتبابی و... اشاره کرد. احمد سمیعی‌گیلانی، مترجم و ویراستار، در این نشست گفت: چیزها با کسانی هستند که قدر و ارزش آنها بیشتر با غیابشان احساس می‌شود تا حضورشان؛ مثل هوا که همه‌جا حضور دارد و ما آن را رایگان تنفس می‌کنیم و ارزشش را نمی‌دانیم؛ اما اگر راه تنفس‌مان را ببندند، یا در زیردریایی که موتورش از کار افتاده، محبوس شویم، ارزش حیاتی آن را بیشتر احساس خواهیم کرد. همچنین ارزش آب را وقتی حس می‌کنیم که در بیابان و کویر سیر کنیم و واحه و چاه آبی نیابیم. منصوره اتحادیه، تاریخ‌نگار و استاد دانشگاه، در مراسم رونمایی از کتاب «یادگار ماندگار» گفت: این قصه تاریخ است که هر نسل یک‌بار تاریخ را می‌نویسد و سؤالاتی جدید مطرح کرده، تفسیر می‌کند، توضیح می‌دهد و مطلب تازه‌ای اضافه می‌کند و بر

استیج



کنسرت رایگان موتی برای دانشجویان

گروه هنر: ارکستر فستوال راونا کنسرت مشترکی با ارکستر سمفونیک تهران برای هنرجویان و دانشجویان موسیقی برگزار می‌کند. این اجرای نقاشان قرن هفدهم نمایش داده می‌شود که در آن نقاشی‌هایی از بیان بروکل مهتر نیز خواهد بود. بیان بروکل متولد ۱۵۶۸ و متوفای ۱۶۲۵، نقاش اهل فلاندرز است. او زاده بروکسل بود و یک استودیو در آنتورپ در بلژیک امروزی داشت، جایی که او بر اثر وبا در ۱۳ ژانویه ۱۶۲۵ درگذشت. پیتر بروکل دو پسر داشت به نام‌های پیتر بروکل پسر و یان بروکل مهتر که هر دو فامیل‌شان را از Bruegel به Brueghel تغییر دادند. مادر بزرگ آنها، میگن فروولست، پسران را بزرگ کرد. برادر بزرگ‌تر، پیتر بروکل، از بین آن دو نقاش رده پایین‌تری بود. او سبک پدرش را کپی کرد اما استعداد چندانی در این کار از خود نشان نداد. در حراج فردا چند نقاشی از یان بروکل نمایش داده می‌شود که یکی از این آثار پنج‌میلیون و ۵۰۰ تا هشت میلیون پوند قیمت‌گذاری شده است. این نقاشی که سال ۱۶۱۶ خلق شده، رنگ‌روغن روی بوم، در ابعاد ۲۵ در ۳۷ سانتی‌متر است.

روی خط سل

سمیناری برای راهیابی به بازار حرفه‌ای موسیقی

● **گروه هنر:** سمینار راهیابی به بازار حرفه‌ای موسیقی با موضوعاتی نظیر مخاطب‌شناسی، مارکتینگ، کسب درآمد، شیوه تبلیغات موسیقی، توزیع آثار در عرصه بین‌المللی و... ۲۲ تیر در فرهنگ‌سرای اندیشه برگزار خواهد شد. در این برنامه هنرمندان مطرح موسیقی به بیان تجربه‌های خود در عرصه موسیقی می‌پردازند و با انتشار و توزیع آثار خود در عرصه بین‌المللی بیشتر آشنا خواهند شد. همچنین با تاریخچه انتشار و شیوه تبلیغات موسیقی در فضای موسیقی بیشتر آشنا می‌شوند.

علاوه بر هنرمندان مطرحی که در سمینار راهیابی به بازار حرفه‌ای موسیقی به بیان تجربیات خود به‌ویژه در فضای مجازی می‌پردازند، مدیران بخش موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این برنامه سخنرانی خواهند داشت. همچنین چند نفر از تهیه‌کننده‌های باسابقه، مدیران چند شرکت فرهنگی - هنری مطرح و فعالان برجسته رسانه‌ای تجربیات خود را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند. در پایان سمینار هم میزگرد آسیب‌شناسی موسیقی برگزار می‌شود. همچنین علاوه بر ارائه گواهی‌نامه شرکت در این سمینار، تسهیلات تولید و نشر آثار موسیقی هم برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است.

سمینار راهیابی به بازار حرفه‌ای موسیقی (مخاطب‌شناسی، مارکتینگ، کسب درآمد) از ساعت ۱۴ روز ۲۲ تیر آغاز خواهد شد و پنج ساعت ادامه دارد و ظرفیت پذیرش هم ۳۵۰ نفر است. این برنامه به همت مؤسسه فرهنگی- هنری «یاما» با مشارکت سایت «موسیقی ما» و دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهد شد. تالار فرهنگ‌سرای اندیشه واقع در خیابان شریعتی نرسیده به سیدخندان، روز پنجشنبه ۲۲ تیر از این سمینار میزبانی می‌کند. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت «تیوال» مراجعه یا با شماره تلفن ۴۸۵۷۲۰۸۸ تماس حاصل کنند.

«نقطه پرگار»، میلاد درخشانی و مصباح قمصری منتشر شد

● **موسیقی ما:** عصر روز جمعه در حالی اولین آلبوم مشترک میلاد درخشانی و مصباح قمصری در شهر کتاب این‌سینا رونمایی و منتشر شد که میلاد درخشانی در این مراسم آن را اولین آلبوم دو اسمی ایران خواند و گفت: «اسم شناسنامه‌ای این آلبوم چیز دیگری است؛ ولی به دلیل اینکه این نام مجوز انتشار نگرفت، نام آن را به «نقطه پرگار» تغییر دادیم».

آلبوم بی‌کلام «نقطه پرگار»، تازه‌ترین اثر «مصباح قمصری» و «میلاد درخشانی»، شامل ۹ قطعه با عناوین «مهرورزان»، «رسم وفا»، «چون گوهر اشک»، «حال هجران»، «سرو پاینده»، «خون عاشق»، «می خواجه»، «یاران را چه شده» و «عیش جاودان» است که یک بخش آن در بیات ترک و یک بخش آن در نوا و دشتی است. در این اثر، از سازهای تار، بکم‌مان و سازهای کوبه‌ای استفاده شده که درخشانی وظیفه آهنگ‌سازی و نوازندگی تار را برعهده داشته و قمصری قطعات را برای بکم‌مان و سازهای کوبه‌ای تنظیم و اجرا کرده و علاوه‌برآن ضبط، میکس و مسترینگ کار را هم برعهده داشته است.

میلاد درخشانی درباره نحوه شکل‌گیری این آلبوم گفت: «من برای ضبط یک قطعه پیش مصباح آمدم که از همان‌جا معاشرت‌مان شروع شد. به دلیل اشتراکات زیادی که در بخش موسیقی داشتیم، این دوستی خیلی زود شکل گرفت و بعد از آن هم فکر کردیم بد نیست که با هم کپ موسیقیایی بزنیم. این دوستی و مهری که از ابتدا برای این کار وجود داشت، باعث شد الان که به آلبوم گوش می‌کنم، جدای از اینکه چه فیدبکی در گوش شنونده دارد، برای خود من نوای بسیار خوشی داشته باشد. این آلبوم نتیجه لذت‌بخشی داشت و قرار است این همکاری ادامه‌دار باشد». در انتهای مراسم جشن امضای آلبوم برگزار شد. آلبوم «نقطه پرگار» از روز گذشته در دسترس عموم قرار گرفته که علاقه‌مندان می‌توانند آن را از فروشگاه‌ها و مراکز فرهنگی تهیه کنند.

شاعر صداه‌ا

وقتی ما برای فیلم‌برداری بیرون می‌رویم، گاهی مردم از عوامل فنی می‌پرسند که دارید کجا می‌روی. آنها هم جواب می‌دهند: می‌رویم کجا می‌صدا ضبط کنیم یا دوربین را هم با خودمان می‌بریم. می‌دانید اگر شما فقط روی تصویر متمرکز شوید، در واقع فقط به یکی از ابعاد مکعب پرداخته‌اید. گاهی اوقات ما تأکید زیادی روی نمایهامان می‌گذاریم. انگار که داریم به دنیا می‌گوییم «دم زنید!» یا این تصویر نگاه کنید... خیلی مهم است!» اما اگر شما به خودمان نگاه کنید که در حال حرف‌زدن هستیم، اصوات بسیار زیاد دیگری هم در اطراف ما وجود دارد. این بخش مهمی از واقعیت است». باید با گوش‌هایی که آماده‌اند برای شنیدن صدای شعرهای طبیعت و محیط اطراف، به تماشای آثار کبار رستمی نشست؛ آن‌گونه که او می‌خواست.